

به نام خدا

سلوک در دستیابی به جسم و روحی سالم

در بچه‌های مدرسه

هدف:

از میان ابعاد مختلف رشد در بچه‌ها، دوتای آن‌ها هستند که جنبه زیربنائی داشته، دو رکن مهم و اساسی را تشکیل می‌دهند: (۱) یکی رشد جسمی و بدنی. (۲) و دیگری رشد روحی و عقلانی.

این گفته‌ی فطری- تجربی‌ی رایج در میان مردم کشورهای مختلف جهان که می‌گوید: «عقل سالم در بدن سالم است» شعاری شد که تعلیم و تربیت جدید علمی، در اروپای بعد از قرون وسطی، آن را مبنای کار خود قرار داد، و امروز هم همین حکمت و اندیشه‌ی فطری است که در مدرسه‌ی ما هدف و وضع مطلوب را برای ما تشکیل می‌دهد.

پر روشن است که ورزش و تربیت بدنی و تقویت جسمانی دانش‌آموزان، پیش شرط فعالیت‌های ذهنی- فکری- و درسی آن‌ها می‌باشد. ولی متأسفانه برای تحقق چنین امری در مدرسه، در عمل، ما با اشکالاتی روبه‌رو شدیم. زیرا بچه‌ها که بیش‌تر در خانه‌های خود به این عادت کرده بودند که بخورند و بیاشامند و پای تلوزیون‌ها به تماشای فیلم‌های کارتونی بنشینند، و یا خود را با بازی‌های نشسته، سرگرم بسازند، نسبت به ورزش و تحرکات بدنی و بازی‌های جست‌وخیزدار، اشتیاق چندانی از خود نشان نمی‌دادند. آن‌ها خیلی زود دچار خستگی و کسالت می‌شدند به‌طوری که گاهی اوقات کارشان به خمیازه کشیدن و دهن‌دره کردن می‌کشید. البته این حالت انفعالی بچه‌ها نسبت به تحرکات بدنی و ورزش، آثار منفی خودش را هم به‌طور مستقیم بر روی رشد جسمی آن‌ها می‌گذاشت و هم به‌طور غیر مستقیم بر روی رشد عقلی و روحی آن‌ها یعنی بر روی یادگیری، تمرکز، دقت، حفظ و یادآوری، بازشناسی، درک روابط میان امور و مطالب و نظایر آن که در نتیجه کیفیت یادگیری و رشد فکری- عقلانی- روحی آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌داد.

این چنین بود وضع و حال آن روزهای ما در مدرسه، که حتماً باید تغییر می کرد. و برای تحقق این تغییر لازم بود که ما به دنبال یافتن راه کارها و شیوه های اجرایی آن برمی آمدیم.

شیوه ی اجرایی:

در آن حال و روز، ما چاره ای نداشتیم جز این که از وضع بد موجود، گذر کرده، خود را به وضع مطلوب و هدف موعود و شرایط بهتر می رساندیم. در چنان اوضاع و احوالی اولین چیزی که برای ما مطرح بود، کشف علت یا علل این بی میلی بچه ها نسبت به تحرکات بدنی و پرورش جسم و اندام در آن ها بود، و نیز هم زمان با آن باید توجه به این نکته مهم می داشتیم که ما باید به "کشف علت" پردازیم، نه به "وضع علت" یعنی کشف علت "آن طور که هست" نه "آن طور که باید باشد" یا "خوب است که بوده باشد".

در این رابطه با هم اندیشی، تعامل، مشورت ها، تضارب آراء و تشکیل میزگردهای مستمر، منظم و متعددی که با دوستان همکار و دست اندرکاران داشتیم، به این جمع بندی رسیدیم که برای علت یابی صحیح، واقعی و علمی، باید در قدم اول به معرفت شناسی علمی، به علم و آگاهی دست بیابیم و همین موضوع خود به خود این ضرورت را به وجود می آورد که پس لازم است به اهل اش یعنی به عالمان و متخصصین مربوطه مراجعه کنیم تا ما را در امر معرفت شناسی نسبت به این معضل دست به گریبان، راهنمایی و یاری کنند. از این رو با متخصصین رشد، یادگیری، تربیت بدنی، پزشکان متخصص، نشست ها داشتیم که سرانجام به این نتیجه رسیدند که این نارسائی ها، ناتوانی ها و ضعف ها و سستی های موجود در بچه ها بیش تر مربوط می شود به نوع تغذیه آن ها. و لذا در این جا دیگر این متخصصین تغذیه هستند که در این مورد صاحب نظر می باشند، و نظر آن ها است که صائب می باشد و ارزش علمی و تخصصی دارد و آن ها هستند که می توانند ما را در این زمینه از گمراهی و ناآگاهی برهانند و راه راست و راه نجات بچه ها و درمان و پیشگیری های بعدی را به ما بنمایند.

مراحل اجرا:

متخصص تغذیه از طریق پرسش نامه ای که پیرامون مسأله مطرح کرده بود، پرسش نامه ای که دقت ها، موشکافی ها و ریزبینی های زیادی را دربر داشت، سرانجام به تنظیم و تدوین "تعریف یا صورت مسأله" آن طور که در عمل، در عینیت و واقعیت بود دست یافت، نه آن طور که در پندار و خواست ما بود.

ایشان پس از فراغت از دسترسی صحیح و دقیق به "صورت مسأله" در صدد پیدا کردن راه حل برای آن برآمد و در این رابطه اولین گامی که برداشت، "ساختن فرضیه" بود. فرضیه یک نوع حدس، تیزیابی و سبق ذهن است که عالم آن را بر اساس علائم و داده های واقعیت و عینیت موجود، می سازد، این فرضیه می گفت: به

احتمال قوی بچه‌های ما باید از تغذیه سالم و بهداشتی محروم بوده باشند که چنین علائم و رفتارهای ناهنجاری را از خود بروز می‌دهند.

گام بعدی ایشان این بود که به "وارسی فرضیه" ی خود بپردازند تا صحت و سقم آن برایش معلوم شود. برای این کار ایشان دستور داد تا گزارشی روشمند و متدیک از وضع موجود تغذیه‌ی بچه‌ها در مدرسه و در خانه تهیه شود. در مدرسه باید گزارشی از وضع بوفه‌ها تهیه می‌کردیم. و در موردخانه‌ها باید در درجه اول از روی غذاها و تنقلات و خوراکی‌هایی که بچه‌ها با خود به مدرسه می‌آوردند، گزارشاتی عینی و واقعی تهیه می‌کردیم، و در این مرحله بود که مربی بهداشت مدرسه نقش اساسی و فعالی را پیدا می‌کرد، زیرا کار تهیه‌ی چنین گزارش مستندی که با رعایت ملاحظات علمی باید باشد، برعهده‌ی ایشان قرار گرفته بود.

و حاصل کار این شد که فرضیه اولیه، درست از آب در آمد و صحت آن در تجسسات عینی به اثبات رسید. زیرا اکثر غذاهایی که بچه‌ها با خود به مدرسه می‌آوردند مثل: شیرینی، شکلات، پوفک، و...، ناسالم و حتی گاه مضر بود، مثل سرخ‌کردنی‌ها و یا این‌که غذا از نظر ترکیب کلی فاقد ارزش غذایی لازم برای سنین رشد بچه‌ها بود و یا این‌که غیر بهداشتی بود مثلاً غذا در ظروف پلاستیکی یا در ظرف تفلونی خدشه دار و صدمه دیده قرار گرفته بود و...

سرانجام متخصص مربوطه به این نتیجه رسید که در این مدرسه ما با مسأله کم غذایی در بچه‌ها روبه‌رو نمی‌باشیم بلکه با پدیده بد غذایی و بدخوری و ریزه‌خواری یا هله‌هوله خوری روبه‌رو می‌باشیم. لذا برای مقابله با آن و از میان برداشتن این پدیده شوم و بیماری‌آفرین که به معده و کبد و هرمون‌های داخلی و پوست بچه‌ها و نیز به رشد جسمی و سلامت و تعادل روحی-هیجانی آن‌ها صدمه می‌زند، ما باید کار خود را با بالا بردن سطح ادراک و آگاهی‌های علمی بزرگ‌ترها و حتی خود بچه‌ها و بسط معرفت‌شناسی غذایی و توسعه‌ی فرهنگ‌سازی‌های علمی-تغذیه‌ای شروع کنیم، و این کار را هم بایستی که در درجه‌ی اول از خود مدرسه یعنی از اولیا و کادر مدرسه شروع کرد. ابتدا باید معرفت‌شناسی و شناخت ایشان را در امور غذایی و امر تغذیه و دقایق و نکته‌های دیگر بالا برد و به این اصل قرآنی که می‌فرماید: «انظر الی طعامک» به غذایی که می‌خوری نگاهی عالمانه و متفکرانه داشته باش، جامعه‌ی عمل پوشاند و بعد از ساخته شدن اولیا و کادر مدرسه باید به فرهنگ‌سازی و شناخت‌دهی در بچه‌ها و خانواده‌ها پرداخت و اصلاح معرفت و شناخت غذایی را در آن تحقق بخشید.

نتیجه دانش‌افزایی و مهارت‌یابی کادر در این زمینه، منجر شد به این‌که بوفه مدرسه تغییرات اساسی پیدا کرد، بوفه مجاز شد تا از لیست خوراکی‌هایی که در اختیارش گذاشته شده بود به فراخور حال و متناسب شرایط و فصل، گزینش داشته باشد و آن‌ها را به‌طور جداگانه یا به‌صورت ترکیب، در بسته‌های کوچک و انفرادی در معرض دید و انتخاب بچه‌ها قرار دهد. خوراکی‌ها به‌طور عمده به شرح زیر انتخاب شده بودند:

- آلو - آلوچه - آلوترش - آلوترش جنگلی - آلوطلائی - آلبالوی خشک - برگه هلو - برگه زردآلو - قیسی - انجیر خشک - زرشک - کشک به صورت خشک یا مانند ماست.

- پسته - گردو - بادام - فندق - بادام زمینی - بادام هندی - توت خشک - مویز - کشمش - (هرکدام از خشک‌بار می‌تواند به صورت جداگانه یا به صورت مخلوط که آجیل باشد در اختیار قرار داده شود).
- نخودچی کشمش - سنجد - گندم شاهدانه - آجیل سویا با طعم گلپر - انواع میوه‌های خشک شده.
- تذکر: کشمش‌ها و برگه‌ها و ... با آب سرد، خیلی سریع با چند چنگی که زده می‌شود شسته شده، روی پارچه تمیز پهن شده تا خشک بشود.
- رب انار - انواع خرما و ...
- میوه‌های مخلوط به صورت مجموعه‌ای از چند نوع میوه‌ی پوست کنده شده و پُور شده مثل سیب، پرتقال، نارنگی، گلابی، خیار، کیوی، خربزه، هندوانه، گرمک، طالبی و ...
- هم‌چنین از میوه‌های فصل مثل گوجه سبز، ذغال اخته، زالزالک و ...
- از سبزیجات، بسته‌های جداگانه و انفرادی از خرد کرده هویج، کاهو، کرفس، کلم، فلفل دلمه، گوجه‌فرنگی درسته و خرد نشده و ...
- بسته‌هایی از نان و پنیر و سبزی خوردن - یا نان و پنیر و گردو - یا نان و کره و عسل - ماست - ماست و خیار (همراه با گردو، کشمش یا سبزی) - آب دوغ همراه با مخلفات دیگر - نان و پنیر و هندوانه و ...
- عدسی - عدسی همراه با نیم‌دانه گندم که پخته بشود - لوبیا چیتی - انواع آش‌ها - شله‌زرد - حلواي سرخ‌نشده.
- از نوشابه‌ها: دوغ - شربت سرانگبین - سرکه شیره - خاک شیر یخ مال برای فصل گرما - بستنی و ...

و بر همین قیاس و از همین مقوله‌ها.

و بوفه مدرسه با چنین ساختاری که پیدا کرده بود، خودش شده بود یک کلاس درس عملی و عینی بصری و لمسی که درس‌ها به بچه‌ها می‌آموخت، البته در صورتی که همراه بوده باشد با تحلیل و توضیح و تفسیر، آن هم در سطح مدرسه.

مدیریت برای یادگیری بیش‌تر بچه‌ها و کسب مهارت‌های عملی مقرر کرده بود تا بچه‌ها در تهیه و آماده‌سازی و پخت غذاها در آشپزخانه‌ی آموزشی یا کارگاه تغذیه و امور غذایی، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت و مدیریتی فعال داشته باشند.

هم‌چنین برای درونی شدن موضوع بحث و جایگزین شدن آن در عمق ذهن و روح بچه‌ها، مقرر شد تا شعارها، هشدارها و نکات آموزنده پیرامون تغذیه سالم و شناخت مواد غذایی در سرتاسر و جای جای محیط مدرسه به در و دیوارها نصب بشود تا در معرض دید و برخورد دانش‌آموزان قرار بگیرد و علاوه بر آن مقرر شد تا در هر مقطعی یک تابلوی اعلانات مخصوص تغذیه سالم و خواص خوراکی‌ها نصب شود.

و نیز برنامه‌ریزی شد تا رابطه‌ای که تغذیه و انتخاب مواد غذایی و نیز ورزش و تحرکات جسمی با سلامتی و تندرستی دارد، و از طرف دیگر رابطه‌ای که تندرستی با رشد فکری و عقلانی دارد، به هریک از مواد درسی در مدرسه نیز کشیده بشود به طوری که معلمین هر درسی مثلاً علوم، زبان فارسی و ادبیات، معلمین زبان‌های خارجی مثل زبان عربی و زبان انگلیسی، آزمایشگاه‌ها، بخش‌های هنری و نقاشی و کاردستی و ... هرکدام درباره

تغذیه سالم و مواد خوراکی موجود در بوفه‌ها، هم‌چنین درباره‌ی بهداشت غذایی و اهمیت تندرستی و رعایت حفظ الصحه و نیز تأکید بر روی شعار حکمت آموز «عقل سالم در بدن سالم است» به بحث و گفت‌وگو، مطالعه و تحقیق، تفسیر و مقاله‌نویسی و انشا و شعر و شاعری و نقاشی، تألیف و ترجمه و سایر خلاقیت‌های علمی، ادبی، هنری، اختراعی و اکتشافی بپردازند.

پس از سپری کردن دانش‌افزایی معلمین و کادر مدرسه و پشت‌سر گذاشتن دانش‌دهی به بچه‌ها، نوبت به دانش‌افزایی و شناخت علمی دادن به خانواده‌ها رسیده بود، که در این بخش نیز با برپایی جلسات سخنرانی توسط اساتید فن و برگزاری میزگردهای پرسش و پاسخ همراه با ارائه لیستی از کتاب‌های مفید در زمینه‌ی تغذیه سالم و انتخاب مواد غذایی صحیح، درباره بهداشت و رعایت حفظ‌الصحه و تربیت جسم و برپاکردن نمایشگاه‌های کتاب، عکس، پوستر، تصاویر، و ارائه فیلم، اسلاید و سی‌دی، کار به سامان رسید.

در تمام این حرکت‌ها و تلاش‌ها سعی شده بود تا به خانواده‌ها شناخت درباره مواد غذایی سالم، تمیز دادن ماده غذایی تازه از غیر تازه به‌خصوص دقت بیش‌تر در مورد تهیه‌ی گوشت و روغن داده شود. هم‌چنین موضوع حذف کالباس، سوسیس، ژامبون و نظیر آن از برنامه‌های غذایی خانواده و نیز حذف غذاهای کنسرو شده و فست‌فودها Fast Foods، سرخ‌کردنی‌ها و سس‌های خیابانی و نوشابه‌های گازدار، از لیست غذاهای خانواده و... در رأس قرار داشت.

از مطالب دیگر در آموزش به خانواده‌ها: موضوع شستن دست‌ها قبل از غذا، دست نبردن به‌طرف غذا قبل از گرسنه شدن واقعی، (نه گرسنگی کاذب و از روی عادت) و دست کشیدن از غذا قبل از سیر شدن و نیز مسأله بسیار مهم و تأثیرگذار، کار تخلیه روده‌ها یا کار کردن مزاج به‌طور مرتب و روزانه بیش از یک‌بار و کوچک نگرفتن یبوست مزاج و آثار شوم و مخربی که با خود به همراه می‌آورد و در صورت مبتلا شدن، برطرف کردن آن به‌وسیله‌ی خود مواد غذایی طبیعی و استفاده از روش‌های طب گیاهی و سنتی و حتی‌المقدور دوری گزیدن از طب صنعتی و درمان با داروهای شیمیایی، و نیز جا انداختن این فرهنگ و این عادت پسندیده در میان افراد خانواده که روزانه درباره عمل کردن مزاج و تخلیه‌ی روده‌ها و به توالی رفتن، از هم‌دیگر پرسش و جویایی داشته باشند و از یک‌دیگر بپرسند آیا امروز مزاجت کار کرده است؟ و نیز ضرورت شستن دست‌ها با صابون، بعد از عمل مزاج و قبل از بیرون آمدن از توالی، و حتی ضرورت شستن دست‌ها با صابون قبل از طهارت گرفتن، زیرا با دست‌های کثیف یا چرب یا گرد و خاکی و آلوده طهارت گرفتن، موجب آسیب‌رسانی و صدمه زدن به ناحیه‌ی مقعد شده، مشکلات بواسیر، زخم‌ها و خراش‌ها و ایجاد عفونت در آن ناحیه را فراهم می‌آورد. و نیز تأکید می‌شد که رعایت این نکته بهداشتی به‌خصوص در مورد دخترها و خانم‌ها ضرورتش مضاعف می‌باشد زیرا با دست‌های آلوده طهارت گرفتن می‌تواند در آن‌ها مشکلات و بیماری‌های رَحِمی را موجب بشود.

هم‌چنین به خانواده‌ها تفهیم می‌شد که در امور مربوط به تغذیه بیش‌تر به فکر کیفیت آن باشند تا کمیّت، و از غذاهای پر حجم ولی کم ارزش از نظر غذائیت و انرژی بخشی، دوری گزینند و اصولاً به دنبال غذاهای کم‌کمیت ولی پرکیفیت بوده باشند تا سبکی و چالاکی و میل به تحرکات بدنی را در خود احساس کنند و از

چاقی و لختی و رخوت و بی حالی و نیز بی میلی نسبت به نرمش، ورزش و داشتن تحرکات جسمانی، خود را برهاند و نیز همواره سعی داشته باشند تا استفاده از غذاهای گیاهی، سبزیجات و میوه‌جات در لیست غذایی خانواده جایگاه برینی داشته، محوریت و اولویت را به این دسته از غذاها بدهند. و... بسیاری از مسائل و نکات آموزنده دیگر در این رابطه که به خانواده‌ها آموخته می‌شد، و کوشش می‌شد تا با استفاده از روش‌های مختلف سمعی، بصری، لمسی به ایشان تفهیم می‌شد.

ارزیابی:

دیگر زمان آن رسیده بود که کاشته‌های خود را برداشت می‌کردیم و می‌دیدیم آیا بذری را که پاشیده بودیم به ثمر رسیده است یا نه؟ آیا به هدف و وضع مطلوبی که در اول کار به فکر و ایده ما آمده بود و ما به دنبال تحقق و عینیت بخشیدن آن برآمده بودیم. حال در عمل و زندگی خود به آن رسیده بودیم یا نه؟ آیا مدرسه از آن وضع بد و نامطلوب روزهای اولیه نجات پیدا کرده است و در این سیر و سلوک و در این فرآیند آیا مطلوب خود را که در این مدت همواره در طلب‌اش بوده است به دست آورده است یا نه؟ ما باید خروجی‌ها و برداشت محصول را می‌دیدیم، ارزیابی می‌کردیم و آن را می‌سنجیدیم، برای این منظور ما باید "روش مشاهدات عینی - واقعی - و خارجی، یعنی خارج از ذهن و میل خود را" در پیش می‌گرفتیم تا از خطر افتادن در مرداب نظریات ذهنی و تمایلات نفسانی و از پندارها و انگارها و پنداشت‌ها، محفوظ می‌ماندیم. و لذا نظرخواهی از گروه‌هایی که در تربیت و تعلیم آن‌ها همت گماشته بودیم یعنی از همکاران، بچه‌ها و خانواده‌ها یک تکنیک علمی بود که باید آن را به کار می‌گرفتیم. وقتی روش کار در ارزیابی و سنجش تعیین شد، به راه افتادیم و کار را شروع کردیم. واقعیت این بود که آنچه در وهله اول به چشم می‌آمد، تغییر بود و تحول و دگرگونی، شدن بود و سیوروت، حرکت تعالی یافته بود و پیشرفت، بهبود بود و سلامت. دیگر صورت مسأله از شکل روز اول، عوض شده بود و مسأله صورت دیگری پیدا کرده بود و تعریف دیگری را می‌طلبید. وضع خورد و خوراک در مدرسه دگرگون شده بود، مواد اولیه خوراکی‌ها در پذیرایی‌های مدرسه از کادر معلمین گرفته تا میهمانان در جشن‌ها، اعیاد، دعوت‌ها و مجالس، تغییر یافته بود و دگرگون شده بود و از حالت مصنوعی و ناسالمی به طرف طبیعی و سلامت سیر کرده بود و سیوروت داشت. سه نوع از خرماها، کشمش سبز، مویز جای شیرینی‌های کذائی خیابانی را گرفته بود. غذایی که در مدرسه برای کادر معلمین پخته می‌شد همین پروسه را طی کرده بود. غذایی که بچه‌ها با خود به مدرسه می‌آوردند نیز متحول شده بود. روشمند، بهداشتی و علمی شده بود و تعریف طبیعی - فطری - علمی را به خود گرفته بود. کم کمیت و پر کیفیت شده بود. جهل و بی‌دانشی موجود در امر خوراکی‌ها و تغذیه در میان کادر، بچه‌ها و خانواده‌ها به دانایی و آگاهی و شناخت و معرفت تغییر یافته بود و سمت و سوئی ارتقائی و روبه کمال را پیدا کرده بود. رضایت‌مندی، ابراز تشکر و قدر دانی‌های خانواده‌ها از مدرسه و کادر چه به صورت تلفنی و چه حضوری یا کتبی و از طریق نظرخواهی‌هایی که پاسخ

داده بودند، روز افزون بود. نشاط، تحرک، جنب و جوش و گرایش به نرمش و ورزش و رعایت موازین حفظ الصحة و اصول بهداشتی در بچه‌ها و اعضاء کادر، محسوس و در سطح مطلوب، بالندگی داشت. دانش آموزان در مدرسه یک روز را در هفته با نام "روز تغذیه سالم" بسر می‌برند که در آن روز با فروش خوراکی‌های طبیعی و سالم و بهداشتی با هدف ترویج فرهنگ درست تغذیه، و با قصد و نیت کمک به هم‌نوعان محروم و نیازمند و شرکت در کارهای خیر اجتماعی، با خرید و فروش و تبادل پول نیز آشنا شده، سود حاصله را در مراکز خیریه و خانواده‌های نیازمند یا خرید تجهیزات برای مدارس محروم به مصرف می‌رسانند و از این طریق با قشر نیازمندان جامعه ارتباط برقرار می‌کنند.

و در این میان مدرسه هم خوشحال از این که به هدف و مطلوب خود دست یافته، و در این رهگذر با روش‌های علمی و متدلوژی آشنا شده، تمرین کرده، مهارت‌هایی را به دست آورده و در میان کادر خود و در میان بچه‌ها و در خانواده‌ها فرهنگ‌سازی مثبت و عقلانی کرده، بی‌دانشی یا کم‌دانشی و عادات بد غذایی را در میان آن‌ها درهم شکسته، اهمیت سلامتی و راه‌های رسیدن به آن را، به ایشان گوشزد کرده، در زندگی مضرات دوری از طبیعت و خطرات روی برگرداندن از فطرت را با ایشان در میان گذاشته، شعار حکمت‌آموز «عقل سالم در بدن سالم است» را در میان آن‌ها منتشر کرده و سعی کرده تا آن‌را در ذهن بچه‌ها و فرهنگ خانواده‌ها بنشانند، و مهارت‌های زندگی را در امور مربوط به شناخت صحیح مواد غذایی و تغذیه‌ی سالم و اصول بهداشت، و اهمیت نرمش و ورزش و تربیت جسم و ارتباط متقابلی که سلامتی جسم و روح دارد را به ایشان آموخته، تعمیق بخشد.

و از همه مهم‌تر و سرآمدتر، مدرسه از این که توانسته بود با این برنامه‌ریزی‌های سیستماتیک و منظومه‌ای خود، علاوه بر رشد جسمی و بدنی، و رشد عقلی و ادراکی، ابعاد دیگر رشد، یعنی رشد عاطفی و اخلاقی، و نیز رشد اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان را - با کارهای خیر اخلاقی و مشارکت‌های اجتماعی‌ای که انجام می‌دهند - فراهم آورد، به درگاه خداوند بزرگ و راهنمای مهربان همواره شکرگزار می‌باشد. خلاصه این که آنچه مدرسه به وجود آورده بود، تحول بود. از حالی بد به حالی خوب ارتقاء یافتن بود. و نکته اینجاست که مدرسه برای ایجاد این تحول، کارش را از تحول در شناخت و معرفت‌شناسی افراد شروع کرد. مدرسه سعی کرد تا اول در نگرش و بینش آن‌ها، تغییر و تحول به وجود آورد. سعی کرد تا نگاه آن‌ها را نسبت به قضیه عوض کند، دگرگون بسازد و به آن‌ها بفهماند که: «نگاهت را عوض کن تا زندگی‌ات عوض بشود.» و این راهی است که خود خداوند در پیش روی ما قرار داده است و ما را به سوی آن هدایت فرموده است. (رعد - ۱۱)

اسفند ۱۳۸۶

مجیدی تهرانی

(توحیدی)